

بررسی تطبیقی جایگاه مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق کیفری افغانستان و ایران

محمدعارف فراسو*

چکیده

جرم به‌عنوان یک پدیده اجتماعی در تمام جوامع وجود دارد. کسی که مرتکب جرم می‌شود و نظم اجتماعی را برهم می‌زند، واکنش اجتماع از جمله مجازات حبس را در پی خواهد داشت. شکست و ناکارآمدی زندان‌ها در اصلاح مجرمین و شرایط بد زندان‌ها، اعتراضات گسترده را در پی داشت. برای برون‌رفت از این معضل و جلوگیری از آثار زیان‌بار زندان‌ها، جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری کشورها، از جمله افغانستان و ایران، راه یافت. مجازات‌های جایگزین در ماده ۱۵۰ کد جزا و ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ایران پذیرفته شده و شرایط و قلمرو آن نیز در قانون مشخص شده است. این نوع مجازات با توجه به جرم ارتكابی، شخصیت مجرم و وضعیت بزه‌دیده با شرایط معین‌شده قانونی قابل اجراء است. هدف این تحقیق، پرداختن به موضوعات اساسی و برجسته‌نمودن محاسن و معایب مجازات‌های جایگزین حبس، به‌صورت تطبیقی در حقوق کیفری افغانستان و ایران است. بررسی دقیق و ارزیابی آن می‌تواند برای مجریان و تطبیق‌کنندگان مجازات‌های جایگزین جهت اعمال و اجرای آن

*. دانشجوی دوره ماستری حقوق جزا و جرم‌شناسی و پژوهشگر.

و تحقق عدالت مشعل راه شود.

واژگان کلیدی: مجازات، حبس، جایگزین حبس، حقوق کیفری، کد جزا، قانون

مجازات اسلامی.

مقدمه

بدون شک، با بررسی پیشینه حقوق کیفری، نهادها و موضوعات مرتبط با آن درمی یابیم که مجازات‌ها و نهادهای کیفری در طول قرون و اعصار گذشته فراز و فرودهای زیادی داشته و دست‌خوش تغییرات بوده است. در اوایل، مجازات‌ها خیلی وحشتناک، غیرانسانی و به‌صورت بسیار شدید بوده و برای ارباب دیگران توأم با زجر و شکنجه اجرا می‌شدند. بریدن اعضای بدن هم‌چون گوش و بینی، دست و پا و نیز داغ‌کردن، به چرخ بستن، تکه‌تکه‌کردن، گذاردن علامات رسواکننده بر چهره و بدن مجرمان متداول بود (مصطفی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۱)؛ اما سپس مجازات‌های سخت بدنی کم‌کم جای خود را به مجازات‌های انسانی و عکس‌العمل‌هایی مبتنی بر تربیت و اصلاح و بازپروری داده است. در این میان، زندان یا محبس نیز از زمان‌های قدیم تا حال رایج بوده است که از آن به‌عنوان بازداشتگاه و محل حبس مجرمان استفاده می‌شد.

در برخی از حکومت‌های مطلقه، زندان‌ها به شکل سیاه‌چال‌ها و سلول‌ها بودند؛ اما از قرن هجدهم میلادی به بعد، مجازات زندان به‌عنوان مجازات جایگزین برای مجازات‌های بدنی مورد استفاده قرار گرفت؛ از این‌رو، از نیمه قرن هجدهم، مجازات زندان پدیده نوظهور در رابطه به مجازات افراد تلقی شد. دلیل آن هم اعتراضاتی بود که از طرف دانشمندان و مردم در برابر تطبیق مجازات‌های خشن و غیرانسانی بدنی عرض وجود کرد و مجازات حبس از آن تاریخ به بعد نوعی مجازات انسانی تلقی گردید (رسولی، ۱۳۹۶: ۵۲۰).

سلب آزادی از محکومان باید به‌منزله آخرین حربه و آنگاه که هیچ شیوه و راه‌کار مورد اعتماد دیگری نباشد، به‌منزله واکنش جامعه در برابر مجرمان به کار گرفته شود و آن هم تنها برای مجرمان خطرناک اعم از تکرارکنندگان و غیر آن (مرادی، ۱۳۹۶: ۱۰۶)؛ یعنی کسانی که آزادی آنان برای امنیت دیگران مخاطره‌انگیز است؛ در غیر آن، تلاش شود تا جایی که قانون مجاز می‌داند، از جایگزین‌های حبس استفاده شود.

سؤالی که مطرح می‌شود، آن است که آیا این نوع مجازات می‌تواند یک جایگزین مناسب برای حبس و کارایی لازم برای اصلاح و بازپذیری اجتماعی مجرمین داشته باشد؟ آنچه به نظر می‌رسد با توجه به تجربه کشورهای دیگر که از مجازات‌های جایگزین حبس استفاده نموده‌اند، نشان‌دهنده آن است که این نوع مجازات نتیجه بهتر از حبس داشته است. از یک طرف، این نوع مجازات تقریباً جدید است و مدت زیادی از ورود آن به حقوق کیفری کشورها نمی‌گذرد و از طرف دیگر، کد جزای افغانستان مصوب ۹۶ که از تصویب آن دیری نمی‌گذرد و نیز قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۹۲ تقریباً جدید بوده، نیازمند ارزیابی دقیق و بحث روی مجازات‌های جایگزین می‌باشد.

۱. مفاهیم

۱-۱. مجازات

مجازات در لغت به معنای پاداش دادن و جزا دادن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۴). در اصطلاح حقوقی، مجازات عبارت از تنبیه و کیفری است که در برابر عمل خلاف قانون بر مرتکب جرم تحمیل می‌شود (کوشا و غلامی، ۱۳۹۳: ۱۰). در واقع، مجازات واکنش و عکس‌العمل جامعه در برابر مرتکب جرم است (رسولی، ۱۳۹۶: ۴۸۳) و یا «جزا عبارت از مؤیده‌ای است که در قانون برای اعمال جرمی پیش‌بینی شده و از طرف محکمه در مورد مرتکب با رعایت اساسات این قانون، حکم می‌شود.» (ماده ۱۳۳ کد جزا).

مجازات دارای سابقه‌ای طولانی در تاریخ است و حتی گفته‌اند که «به قدمت عمر بشر می‌توان از آن گفت و گو کرد.» البته، یادآوری این نکته ضروری است که مجازات‌ها با ویژگی‌ها و اهداف آن‌ها که امروز نظر حقوق‌دانان و جرم‌شناسان را به خود جلب کرده است، یقیناً که مورد توجه قدما نبوده است (نوربها، ۱۳۹۶: ۳۵۱). هدف اصلی از وضع و تأسیس مجازات‌ها، مبارزه علیه بزه‌کاری و حفظ نظم و امنیت در جامعه است. کیفر مرعوب‌کننده است و در مواردی عامل ترس و ارعاب نقش بازدارندگی دارد. مهم‌ترین اهداف مجازات عبارت‌اند از:

الف. اصلاح بزه‌کار؛ یعنی از طریق تعلیم و تربیت جسمی و فکری مجرم با به‌کارگرفتن تعلیق مجازات، اعمال مجازات سالب آزادی، آزادی مشروط و دیگر برنامه‌های تربیتی و اصلاحی.

ب. حمایت از جامعه؛ یعنی با اعمال مجازات مجرمان از قبیل اعدام، حبس دائم و یا حبس‌های طولی‌المدت جامعه تا حدی از آسیب‌دیدن در امان می‌ماند.

ج. ارباب بزه‌کار؛ یعنی پیش‌گیری فردی با اعمال کیفرهایی از قبیل جزای نقدی و مجازات سالب آزادی. هم‌چنین ارباب دیگران یا پیش‌گیری عمومی را نیز می‌توان از اهداف مجازات شمرد (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۳۴۴).

۲-۱. حبس

حبس در لغت به معنای بازداشتن، توقیف، زندان و بستن است (دهخدا، ۱۳۷۴). قانون‌گذار افغانستان حبس را تعریف نموده، چنین اشعار می‌دارد: «حبس عبارت است از زندانی‌ساختن محکوم علیه به حکم قطعی محکمه در یکی از محابس که از طرف دولت به این منظور اختصاص یافته است.» (م ۱۴۵ ک. ج).^۱ محبس یا زندان جایی که محکومان و تبهکاران را در آن‌جا نگه می‌دارند؛ بندیخانه (عمید، ۱۳۸۱). مجازات حبس به سلب آزادی محکوم علیه گفته می‌شود؛ در محل مخصوصی که از طرف دولت به این منظور تهیه می‌شود (رسولی، ۱۳۹۶: ۵۲۰).

مجازات حبس پس از اعدام، شدیدترین نوع مجازات است و امروزه در ادبیات جامعه‌شناسی جنایی به مجازات حبس به‌عنوان یکی از کیفرهایی که عواقب و پیامدهای ناگواری را برای مجرم و جامعه دربردارد، نگریسته می‌شود (ناظرزاده کرمانی و امامی غفاری، ۱۳۹۳: ۱۵۸).

۳-۱. مجازات‌های جایگزین حبس

مجازات جایگزین حبس به «اقدام‌هایی که قانون‌گذار در اختیار قاضی می‌گذارد، می‌توانند جایگزین مجازات اصلی باشند (ماهیت آن حبس باشد یا جزای نقدی) و اهمیت آن خواه جنحه‌ای یا خلاف باشد.» (رسولی، ۱۳۹۶: ۵۲۹-۵۳۰). به عبارت دیگر، مجازات‌های جایگزین، مجازات‌هایی هستند که با توجه به جرم ارتكابی، شخصیت و پیشینه کیفری مجرم، دفعات ارتكاب جرم، وضعیت بزه‌دیده و آثار ناشی از ارتكاب جرم، توسط محکمه تعیین و با مشارکت مردم و نهادها به اجرا درمی‌آیند. در حقیقت، این نوع مجازات هرگونه ضمانت اجرایی است که بتواند از همان ابتدا به‌طور کلی مانع توسل به مجازات زندان شود یا مدت زندان را کوتاه‌تر کند

۱. مخفف ماده کد جزا.

(ناظرزاده کرمانی و امامی غفاری، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

در حقوق افغانستان نیز مجازات‌های جایگزین حبس تعریف گردیده است: «بدیل حبس جزایی است که بالای مرتکب جرم به عوض حبس، به شکل رهایی مقید از طرف محکمه حکم می‌شود.» (م ۱۴۸ ک. ج).

از نگاه تاریخی، نخستین بار «آنریکوفری» از بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی بود که اصطلاح «جانشین‌های کیفری» را وارد حقوق کیفری کرد. به نظر او، این جانشین‌ها باید به ابزارهای اصلی دفاع اجتماعی تبدیل شوند؛ زیرا «پادزهرهای عالی برای عوامل اجتماعی بزه محسوب می‌شوند.» به عبارت دیگر، به نظر آنریکوفری «جانشین‌های کیفری» همان اقدامات پیش‌گیرانه است و دفاع اجتماعی می‌باشد که هم در سطح کل جامعه و هم در عرصهٔ تشکیلات دادگستری قرار می‌گیرند. نمونه‌هایی از این جانشین‌ها عبارت‌اند از: ایجاد کوچه‌های پهن در شهرها و روشنایی در شب‌ها؛ زیرا به کاهش دزدی کمک می‌کند. پس از آنریکوفری، «گراماتیکا»، بنیان‌گذار مکتب دفاع اجتماعی، تعبیر جدیدی از مفهوم سیاست جایگزینی ارائه می‌دهد و آن این‌که وی معتقد است اولاً، باید جامعه‌ستیزی را جایگزین مسئولیت مبتنی بر بزه نمود؛ ثانیاً، باید نشانه‌های جامعه‌ستیزی شخصی فرد و درجات آن را به جای جرم به‌عنوان یک عمل قرار داد؛ ثالثاً، تدابیر دفاع اجتماعی منطبق با نیازهای هر جرم جایگزین مجازات متناسب جرم کرد (مرادی، ۱۳۹۶: ۱۰۹).

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

«مارک آنسل» هم به سیاست جایگزینی در چهارچوب حقوق کیفری اعتقاد داشت. منظور وی از جایگزینی، همان مجازات‌های جانشین هستند که برای اجتناب از آثار و عواقب زیانبار کیفر حبس پیش‌بینی شده‌اند؛ بدین ترتیب، آنسل از جایگزینی مفهوم دقیق و روشنی را ارائه می‌دهد. «ژان پی تایل» نیز به مفهوم دقیق سیاست جایگزینی اشاره می‌کند و لفظ کیفرهای جانشین را به کار می‌برد (مرادی، ۱۳۹۶: ۱۰۹). در سال‌های بعدی، جایگزین‌های حبس دست‌خوش تغییراتی بوده و مفهوم و شکل تازه‌ای به خود گرفته است.

۲. علت شکل‌گیری و تحول جایگزین‌های حبس

تا اوایل قرن نوزدهم، زندان یکی از طرق شکنجه بود و وضعیت آن در بدترین شرایط ممکن قرار داشت. زندانیان در سخت‌ترین شرایط و بدترین حالت مانند حیوانات زندگی می‌کردند.

زندان در این دوره به صورت سرداب‌های وحشتناک و تنگ و تاریک و غاره و دخمه‌هایی بودند که حیوانات هم قادر به ادامه زندگی در آن‌ها نبودند. نور، هوا، بهداشت و هیچ چیز وجود نداشت. بارها زندانیانی که آزاد می‌شدند، نور دیدگان خود را در برخورد با هوای آزاد و روشن از دست می‌دادند؛ چون در تمام مدت تحمل زندان در تاریکی محض زندگی می‌کردند (جاویدان، ۱۳۹۶: ۷۵). به همین دلیل، شرایط بد زندان‌ها اعتراضات گسترده را در پی داشت.

زندان به‌عنوان مجازات به صورت کلی مورد توافق همگانی نیست و به علاوه مزایا، دارای معایب فراوان نیز می‌باشد. در بعضی مواقع، زندان بهترین گزینه برای مجرمین به حساب می‌آید و در مواردی نیز آثار خوبی در پی نداشته و گزینه مطلوب نیست. مزیت مجازات حبس به همان هدف ارعایی مجازات برمی‌گردد؛ چرا که حبس به‌عنوان یک مجازات از نظر افراد جامعه بسیار سنگین و غیرقابل تحمل از نظر عرفی و روانی است (دوستی، ۱۳۹۵: ۱۰۲). فردی که محکوم به حبس می‌شود، از نظر افراد جامعه اگر بگوییم که یک انسان منفور نیست، حداقل به‌عنوان یک فرد سالم و مثبت به وی نگاه نمی‌شود. مزید بر آن، صیانت از جامعه و جان مجرم، برتری نسبت به اعدام، تبعید و شلاق را می‌توان از دیگر محاسن زندان برشمرد. زندان برای پاره‌ای از مجرمین خوب است؛ مانند مجرمان یقه‌سفید یا مجرمانی که اتفاقاً دست به ارتکاب جرمی زده‌اند؛ زیرا برای چنین مجرمانی زندان بسیار جنبه بازدارنده دارد (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۵: ۶۷)؛ به حدی که بعضی از این گروه‌ها که معمولاً افراد آبرودار و متخصص‌اند، حاضرند ضرر و زیان متعددی را تحمل کنند تا یک شب را هم در زندان نمانند.

معایب این واکنش اجتماعی نیز زیاد است. در زندان گروه‌های آسیب‌پذیر و حساس هم‌چون زنان، نوجوانان و زندانیان مریض و اقلیت‌های قومی و مذهبی از کم‌ترین توجه مورد نیاز خود محرومند. فردی که برای اولین بار به‌خاطر ارتکاب خلاف کوچکی راهی زندان می‌شود، پس از چندی به یک مجرم حرفه‌ای تبدیل می‌شود (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۵: ۵۷).

با به زندان‌افکندن مجرمین، انتظار اصلاح درونی و بازپروری خطاکاران به دامن جامعه است و به علاوه به این درک و فهم برسند که ارتکاب جرم عمل هنجارشکن و نادرستی است و به آن‌ها آموخته شود تا پس از آزادی، یک زندگی توأم با احترام به قانون را برگزینند (احمدی، ۱۳۹۶: ۴۸). آمارهای کشوری و جهانی نشان‌دهنده خلاف آن است. افزایش رو به رشد جمعیت کیفری محابس و ناکارآمدی زندان‌ها، عملاً امید دست‌یابی به این اهداف را ناممکن ساخته و

برعکس باعث چالش‌های متعدد شده است. به همین دلیل، کشورها و اندیشمندان علوم جنایی به دنبال سیاست‌ها و تدابیر بدیل مجازات حبس هستند. مطالعات جرم‌شناسانه نشان می‌دهد که با تمام اصلاحاتی که در رژیم زندان‌ها طی دو سده گذشته صورت گرفته و به بهبود نسبی شرایط فیزیکی زندان‌ها منجر شده، نتایج مثبت، سودمند و مؤثری بر بازپذیری اجتماعی مجرمان و پیش‌گیری از ارتکاب جرم نداشته است (ناظرزاده کرمانی و امامی غفاری، ۱۳۹۳: ۱۵۸؛ وزیری و رامش، ۱۳۹۶: ۲۶)؛ کما این که انتقادهای گسترده‌ای به آثار منفی زندان هم از لحاظ اقتصادی-اجتماعی، حرفه‌ای ترشدن مجرمان زندانی شده و ازهم‌پاشیدن خانواده‌های زندانیان از اشکالات زندان به‌شمار می‌رود. این اشکالات گسترده در کنار شکست عملی مجازات حبس و تردیدهایی که در مشروعیت نظری مجازات زندان پدید آمده بود، همه متفکران و سیاست‌گذاران علوم کیفری را بر آن داشت که به دنبال جایگزین‌هایی برای مجازات حبس باشند (وزیری و رامش، ۱۳۹۶: ۲۶). به همین دلیل، برنامه‌های جایگزین مجازات زندان مطرح شد؛ برنامه‌هایی که خود شاهد بر ناکافی بودن نظام سالب آزادی در جلوگیری از تکرار جرم است؛ چرا که زندان به جای اصلاح، تبدیل به دانشگاه پرورش مجرمین حرفه‌ای گردید؛ محلی که مجرمین آورده‌های خود را برای سایرین در طبق اخلاص قرار می‌دادند (الهام و برهانی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۴۹-۱۵۱)؛ از این رو، حبس‌زدایی و سیاست جایگزینی آن، موضوع روز کنگره‌های علمی و مراجع قانون‌گذاری کشورهای مختلف گردید.

بنیاد اندیشه

به عنوان مثال: بنا به راپور چگونگی رفتار کشورها با حقوق بشر، اداره دموکراسی، حقوق بشر و کار وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، به استناد از کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، وضعیت زندان‌ها در افغانستان با مشکلاتی هم‌چون عدم کفایت غذا و آب، تسهیلات صحتی نارسا، کمبود کمپل و موجودیت مریضی‌های ساری در زندان‌های کشور کماکان وجود دارد.^۱ بر اساس گزارشات منتشرشده وزارت امور زنان و سازمان‌های غیر دولتی، پلیس بالای زنان زندانی و بازداشت‌شده تجاوز جنسی کرده است؛ بنابراین، شرایط بد زندان‌ها و آسیب‌های زندان، افزایش جمعیت کیفری، عدم مؤثریت زندان در اصلاح مجرمین و مباشرت با زندانی‌های خطرناک و یادگیری از آن‌ها، هزینه گزاف و مخارج گوناگون، مشغول‌شدن بی‌مورد تعداد زیاد مأمورین امنیتی و مراقب، شیوع انواع بیماری‌ها و مشکلات روانی و فروپاشی شیرازه خانواده

۱. راپور چگونگی رفتار کشورها با حقوق بشر، اداره دموکراسی، حقوق بشر و کار وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا در مورد گزارش حقوق بشر سال ۲۰۱۲ افغانستان، ص ۴.

زندانی، از جدی‌ترین مشکلات حبس محسوب می‌شوند که زمینه شکل‌گیری جایگزین‌های حبس را به وجود آورد.

۳. شرایط اعمال و ساحت تطبیق مجازات‌های جایگزین

مجازات‌های جایگزین حبس در جرایم معین و با شرایط ویژه‌ای اعمال می‌شوند. البته، شرایط و قلمرو استفاده از جایگزین‌های حبس در حقوق افغانستان و ایران تا حدی متفاوت است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

۳-۱. در حقوق افغانستان

قانون‌گذار افغانستان، شرایط استفاده و ساحت تطبیق جزایهای بدیل حبس را در قانون مشخص کرده است. در قانون شرایطی مهمی، از قبیل نوعیت و خصوصیت جرم، شخصیت مرتکب، تعدد و تکرار جرم و... را برای اعمال آن در نظر گرفته و در ماده ۱۴۹ کد جزا به آن اشاره کرده است: «جزایهای بدیل حبس با نظر داشت نوعیت و خصوصیت جرم مرتکبه، شخصیت مرتکب، دفعات ارتکاب جرم، وضعیت مجنی‌علیه، نتایج ناشی از ارتکاب جرم و سایر جهات مخففه جرم تعیین می‌شود.» ساحت تطبیق و قلمرو آن نیز معین شده است. مجازات‌های جایگزین را در همه جرایم نمی‌توان اعمال کرد؛ بلکه جرایمی که حداکثر جزای آن‌ها پنج سال حبس باشد، قابل اجرا است. در همین راستا فقره ۱ ماده ۱۵۱ کد جزا اشعار می‌دارد: «(۱) محکمه می‌تواند مرتکب جرمی را که حداکثر جزای معین قانونی آن‌ها الی پنج سال حبس باشد، مطابق احکام این قانون به جزای بدیل حبس محکوم نماید...». محکمه مکلف است دلایل استفاده یا عدم استفاده از جزایهای بدیل حبس را مطابق حکم مندرج فقره ۱ این ماده در حکم خود ذکر نماید (فقره ۲ م ۱۵۱). مرتکبین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، تروریستی، تجاوز جنسی و... را قانون‌گذار استثنا قائل شده که مشمول جایگزین‌های حبس نمی‌شوند. فقره ۳ ماده ۱۵۱ کد جزا مقرر می‌دارد: «مرتکبین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، تروریستی، تمویل تروریسم، تجاوز جنسی، فساد اداری و مالی و جرایم نسل‌کشی، ضد بشری، جنگی، تجاوز علیه دولت از حکم مندرج فقره ۱ این ماده مستثنی است.»؛ بنابراین، مرتکبین جرایمی که از شرایط ماده ۱۴۹ برخوردار بوده و نیز مجازات معین قانونی آن‌ها حداکثر الی پنج سال حبس باشد، مطابق مواد فوق مشمول جایگزین‌های حبس می‌شوند؛ اما در صورتی که جرایم مشمول فقره سوم ماده ۱۵۱

شود، از ساحت جایگزین‌های حبس خارج است.

۲-۳. در حقوق ایران

شرایط عمومی بهره‌مندی از مجازات‌های جایگزین حبس به موجب ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ایران عبارت‌اند از: تعزیری بودن جرم ارتكابی، گذشت شاکی خصوصی در جرایم غیرقابل گذشت و وجود جهات تخفیف؛ ولی با نگاه کامل‌تر به مواد قانونی می‌توان گفت کاربرد اعمال مجازات‌های جایگزین حبس منوط به وجود این شرایط است: (۱) گذشت شاکی؛ (۲) وجود جهات تخفیف از طریق توجه به نوع جرم و کیفیت ارتكاب آن؛ (۳) اهمیت آثار ناشی از جرم؛ (۴) سن بزه‌کار؛ (۵) مهارت، وضعیت، شخصیت و پیشینه مجرم؛ (۶) وضعیت بزه‌دیده؛ (۷) محدودیت انواع مجازات‌های جایگزین حبس به حداکثر دو نوع از همان موارد یادشده در قانون (فرهمند، ۱۳۹۶: ۷۴).

می‌توان گفت در حقوق ایران برای اجرای جایگزین‌های حبس در برخی موارد گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف خیلی اهمیت ندارد. هیأت عمومی دیوان عالی کشور ایران در رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶-۱۰/۲۹/۱۳۹۴، مواردی را که صدور جایگزین حبس در قوانین الزامی است، مشروط به قیود ماده ۶۴ از جمله گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمی‌داند (الهام و برهانی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۵۱).

بنیاد اندیشه

در حقوق ایران جایگزین‌های حبس در تمامی جرایم غیرعمدی و برخی جرایم عمدی با شرایطی قابلیت اجرا را دارند. قانون‌گذار دو دسته از مجازات‌های حبس را از این امر مستثنی دانسته است: (۱) بر اساس ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی، اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است؛ (۲) آن دسته از حبس‌هایی که مجازات قانونی آن‌ها بیش‌تر از یک سال حبس است که با توجه به مواد ۶۵، ۶۶ و ۶۷ نمی‌توان در این نوع از حبس‌ها اقدام به صدور جایگزین نمود.

جرایم غیرعمدی به دو دسته تقسیم شده است:

دسته اول جرایم غیرعمدی که مجازات قانونی آن‌ها حداکثر دو سال حبس باشد که در این موارد بایستی مجازات جایگزین مورد حکم قرار گیرد.

دسته دوم جرایم غیر عمدی است که مجازات قانونی آن‌ها بیش‌تر از دو سال حبس باشد؛ در این صورت، محکمه الزامی جهت صدور مجازات جایگزین حبس نداشته بلکه اختیاری است (الهام و برهانی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۵۷).

۳. اهداف مجازات‌های جایگزین

مهم‌ترین اهدافی که می‌توان برای مجازات‌های جایگزین حبس ترسیم کرد، کاهش جمعیت زندان‌ها و به تبع آن کاهش هزینه دولت است. هم‌چنین فردی کردن مجازات و انسانی کردن مجازات را می‌توان از اهداف جایگزین‌های حبس برشمرد (شمس ناتری و ریاحی، ۱۳۹۱: ۱۹۸). در ادامه به صورت مختصر به بررسی اهداف متذکره می‌پردازیم.

۳-۱. کاهش جمعیت زندان

امروزه جرم‌انگاری روزافزون و صدور احکام فراوان سالب آزادی، سبب تورم جمعیت کیفری زندان‌ها شده است. به همین دلیل، یکی از اهداف و ویژگی‌های مجازات جایگزین، کاهش جمعیت زندان‌هاست تا به این وسیله از محکومیت‌های حبس، به‌ویژه جرایم قباحت و برخی جنحه‌ها، جلوگیری شود. این امر زمینه را مساعد می‌سازد تا آن عده اشخاصی که مرتکب جرایم کوچک می‌شوند، به عوض آن‌که محکوم به حبس شوند، به مجازات جایگزین محکوم شوند. این امر می‌تواند مانع تراکم جمعیت زندان‌ها شود (رسولی، ۱۳۹۶: ۵۳۱). به علاوه، از تکرار جرم که توسط زندانیان پس از گذشت مدتی از آزادی دوباره با ارتکاب جرم به دستگاه قضایی باز می‌گردند، جلوگیری کنند.

یکی از راه‌کارها برای کاهش جمعیت زندان‌ها، استفاده از مجازات جایگزین به جای حبس‌های کوتاه‌مدت است؛ زیرا نتایج پژوهش‌های انجام‌شده درباره اثربخشی مجازات زندان در زمینه اصلاح مجرمین، نشان‌دهنده آن است که زندان‌ها در دستیابی به اهداف خود در حبس‌های کوتاه‌مدت ناکام بوده است (احمدی، ۱۳۹۶: ۵۴). حبس‌های کوتاه‌مدت کارایی و مؤثریت لازم را برای اصلاح مجرم ندارد و بنا به دلایل مختلف، از طرف دانشمندان حقوق مورد انتقاد قرار گرفته است. تعیین جزای نقدی در برابر جرایمی که مجازات آن‌ها حبس کوتاه‌مدت است، دارای ارجحیت است؛ زیرا تطبیق حبس کوتاه‌مدت نه تنها سبب اصلاح حال مرتکب

نمی‌شود؛ بلکه اختلاط محکوم با سایر زندانیانی که مجرمان متکرر، حرفه‌ای و خطرناک باشند، تأثیر سوء و ناگواری بر جا خواهد گذاشت (رسولی، ۱۳۹۶: ۵۲۷). تطبیق حبس‌های کوتاه در زندگی محکوم، اختلال و بی‌نظمی عمیقی را به وجود می‌آورد که جبران آن کار دشواری است. معایب آن به قدری زیاد است که باید آن را داروی بدتر از درد لقب داد؛ به این دلیل که نه می‌توان هیچ برنامه تربیتی و اصلاحی را پیاده کرد و نه می‌توان نتیجه مهمی را از آن انتظار داشت (شاکری و حیدری، ۱۳۹۵: ۱۱۲)؛ بلکه باعث افزایش جمعیت زندان‌ها شده و مشکلات عدیده‌ای به وجود می‌آورد.

در افغانستان نیز جمعیت زندان‌ها رو به افزایش است. بر اساس گزارش ارائه‌شده توسط کمیته آموزشی جندر وزارت امور زنان، سال ۱۳۹۴، ازدیاد جمعیت محبوسین در زندان‌ها یکی از مشکلات عمده در افغانستان است. به اساس معلومات ارائه‌شده توسط پروگرام سیستم حمایتی محابس (CSSP) در سال ۱۳۹۱ در حدود ۲۵۰۰۰ محبوس در زندان‌های مختلف در سراسر افغانستان زندانی می‌باشند که این رقم، افزایش قابل ملاحظه را نسبت به تعداد محبوسین در سال ۲۰۰۴ میلادی که ۳۰۰۰ محبوس بود، نشان می‌دهد (کمیته آموزشی جندر وزارت امور زنان افغانستان، ۱۳۹۴: ۶۹).

۲-۳. هزینه‌های زندان

به نظر مخالفان مجازات زندان، هیچ دلیلی وجود ندارد که در جامعه‌ای که با سیل انبوه بیکاران مواجه است، عده‌ای انسان بزه‌کار و ناقض قانون در زندان‌ها نگهداری و پذیرایی شود و دولت ملزم به پرداخت هزینه‌های آنان باشد. به همین دلیل، امروزه در کشورهایی مانند آمریکا، دولت با طرح بحث خصوصی‌سازی زندان‌ها، دست به تمرکززدایی زده و اختیارات خود را به اعمال حاکمیت از طریق اعمال حبس محدود نموده و بدین ترتیب، اداره زندان‌ها را به بخش خصوصی واگذار کرده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸-۷۹: ۵۳۶). در اکثر کشورها برای کاهش هزینه‌های زندان از مجازات‌های بدیل حبس استفاده کرده که تا جایی موفق هم بوده است.

۳-۳. فردی کردن و انسانی کردن مجازات

فردی کردن مجازات به این معناست که قاضی باید بر مرتکب جزایی را تعیین کند که مستحق آن است و با شخصیت مرتکب سازگاری داشته باشد. این امر در صورتی امکان‌پذیر است که

انواع مجازات وجود داشته باشد. قبول مجازات جایگزین و تنوعی که در آن وجود دارد، به قاضی اختیار می‌دهد تا با در نظر داشت شخصیت مرتکب حکم صادر کند (رسولی، ۱۳۹۶: ۵۳۱). مزید بر آن، مجازات جایگزین سبب می‌شود تا حدی از مجازات‌های سخت بدنی کاسته شده و حقوق مجرمین به شکل بهتر تأمین گردد.

۴. انواع مجازات‌های جایگزین حبس

مجازات‌های جایگزین حبس شامل دو بخش می‌شوند که بخش اول آن شامل مجازات‌های جایگزین سنتی، مانند جزای نقدی، تعلیق اجرای مجازات، رهایی مشروط و تخفیف مجازات، می‌شود. بخش دوم مجازات‌های جایگزین جدید، عمدتاً شامل انجام خدمات عمومی رایگان، دوره مراقبت، جزای نقدی روزانه، کنترل الکترونیکی، حبس در منزل، ضبط و مصادره اموال و ممنوعیت یا محرومیت از برخی حقوق اجتماعی است (رسولی، ۱۳۹۶: ۵۳۲). در کد جزای افغانستان به برخی از موارد مجازات‌های جایگزین سنتی از قبیل جزای نقدی، تعلیق تنفیذ حکم و تخفیف مجازات پرداخته است؛ اما آن‌ها را زیرمجموعه مجازات بدیل حبس قرار نداده است؛ بلکه به نظر می‌رسد آن‌ها مشمول نهادهای ارفاقی دیگر شوند. ماده ۱۵۰ کد جزا به انواع مجازات‌های بدیل حبس که بخش دوم را دربرمی‌گیرد، اشاره کرده است: «جزای بدیل حبس عبارت‌اند از دوره مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل که در مطابقت با احکام این فصل، اعمال می‌گردد.»

در حقوق ایران، قانون‌گذار در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های جایگزین حبس را بدین صورت مقرر داشته است: «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود.»

در نخست به بعضی از انواع مجازات‌های جایگزین سنتی اشاره می‌کنیم.

۱-۴. مجازات‌های جایگزین سستی

۱-۴-۱. جزای نقدی

جزای نقدی در حقوق اکثر کشورها از جمله مجازات‌های اصلی است؛ اما در بعضی نظام‌های قضایی به‌عنوان نوعی مجازات جایگزین حبس به چشم می‌خورد. جزای نقدی دارای مزایای زیادی است از جمله:

۱. انتخاب جزای نقدی به جای زندان که محیط آن معمولاً جرم‌زاست، مانع تباهی و فساد مجرمین اتفاقی می‌گردد.

۲. پرداخت جزای نقدی ولو به کرات، ایجاد عادت نکرده و خصوصیات ارباب را همیشه حفظ می‌کند؛ در حالی که حبس نسبت به مجرمین متکرر اثر ارباب نداشته و پس از یکی دوبار زندانی شدن، به محیط زندان عادت می‌کنند.

۳. جزای نقدی بدون ایجاد هزینه برای خزانه دولت ایجاد منفعت می‌کند. برعکس، تأسیس زندان‌های مختلف و هزینه اداری و پرسنلی آن تحمیلی بر بودجه دولت است (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۳۹۰-۳۹۱).

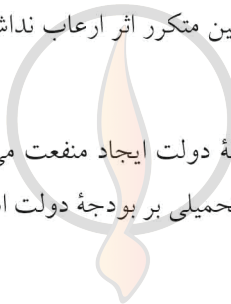
جزای نقدی به علاوه مزایای غیرقابل انکار، از چند جهت برای جایگزینی مجازات حبس چندان بی‌نقص به نظر نمی‌رسد:

۱. جزای نقدی با اصل شخصی بودن مجازات‌ها تعارض دارد؛ به دلیل این‌که نه تنها به دارایی شخص بزه‌کار لطمه وارد می‌کند؛ بلکه برای اعضای خانواده مجرم نیز اثر ناگوار دارد.

۲. جزای نقدی با اصل تساوی مجازات‌ها منافات دارد؛ زیرا برای افراد کم‌درآمد کیفر سنگین و شدید است و به علت عدم پرداخت جریمه باید در زندان بمانند؛ اما برای مجرمین ثروتمند، مجازات خفیف به‌شمار می‌رود (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۵: ۶۰). در این خصوص و برای حل این موضوع، می‌توان جزای نقدی به‌طور روزانه تعیین کرد که محکوم‌علیه روزانه یا هفتگی مبلغی را به‌طور معین (با مشخص نمودن تعداد روز) پرداخت نماید.

جزای نقدی در کد جزای افغانستان از جمله جزاهای اصلی^۱ محسوب می‌شود نه جایگزین

۱. ماده ۱۳۸ کد جزا، جزاهای اصلی را به سه نوع تقسیم کرده است: ۱. جزای نقدی؛ ۲. حبس؛ ۳. اعدام.



حبس. قانون‌گذار در ماده ۱۳۹ جزای نقدی را چنین تعریف کرده است: «جزای نقدی عبارت است از مکلف‌ساختن محکوم‌علیه به پرداخت مبلغ محکوم‌بها به خزانه دولت.» نوعیت جزای نقدی و حداقل آن، رعایت شرایط جزای نقدی و افزایش جزای نقدی به ترتیب در مواد ۱۴۰-۱۴۲ کد جزا بحث شده است. لازم به ذکر است که جزای نقدی در جرم جنایت تعیین شده نمی‌تواند (م ۱۴۳.ک.ج).

در حقوق ایران، جزای نقدی را می‌توان بر اساس ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی، از جمله مجازات‌های اصلی شمرده که از انواع تعزیر است؛ اما مطابق ماده ۸۶ همان قانون می‌توان آن را به‌عنوان مجازات جایگزین نیز مورد حکم قرار داد. جزای نقدی روزانه^۱ از جمله مجازات‌های جایگزین حبس به‌شمار می‌رود. در ماده ۸۵ قانون مجازات اسلامی ایران چنین مقرر گردیده است: «جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم که به شرح زیر مورد حکم واقع می‌شود و با نظارت اجرای احکام وصول می‌گردد:

الف. جرایم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا یک‌صد و هشتاد روز؛

ب. جرایم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) یک‌صد و هشتاد تا سه‌صد و شصت روز؛

پ. جرایم موضوع بند (پ) ماده (۸۳) سه‌صد و شصت تا هفت‌صد و بیست روز؛

ت. جرایم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) هفت‌صد و بیست تا هزار و چهارصد و چهل روز.

بر اساس تبصره ماده فوق، محکوم موظف است در پایان هر ماه ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت کند. میزان جزای نقدی بر اساس ماده ۸۶^۲ قانون مجازات اسلامی تعیین می‌گردد.

۱-۴-۲. تعلیق اجرای مجازات

به‌دنبال صدور حکم محکومیت قطعی و تعیین مجازات، نوبت به اجرای حکم بنا به علل و شرایطی که در قانون مقرر شده، ممکن است به تأخیر افتد. منظور از تعلیق اجرای مجازات،

۱. ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ایران: «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است ...»
 ۲. ماده ۸۶: الف. جرایم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا نه میلیون (۹,۰۰۰,۰۰۰) ریال؛ ب. جرایم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) از نه میلیون (۹,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هجده میلیون (۱۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال؛ پ. جرایم موضوع بند (پ) ماده (۸۳) از هجده میلیون (۱۸,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا سی و شش میلیون (۳۶,۰۰۰,۰۰۰) ریال؛ ت. جرایم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) از سی و شش میلیون (۳۶,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هفتاد و دو میلیون (۷۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال.

متوقف‌ساختن مجازات کسی است که به کیفر تعزیری محکوم شده است تا چنانچه در مدت معینی مرتکب جرم دیگری نگردد و از دستورات محکمه تبعیت کند، محکومیت او لغو شده یا بی‌اثر تلقی شود (فرهمند، ۱۳۹۶: ۸۳). این امر حقی برای مجرم به حساب نمی‌آید؛ بلکه وسیله و ابزاری است برای ارفاق و مساعدت به مجرم که به محکمه داده شده است. علاوه بر آن، مطابق با اصل فردی‌کردن مجازات‌هاست و رابطه مستقیمی با نوع جرم، میزان مجازات و بالاخره شخصیت مجرم دارد (یوسفی‌نژاد و آقاجانی، ۱۳۹۶: ۱۵۲). فلسفه تعلیق مجازات آن است که در بعضی موارد جرمی که اتفاق می‌افتد، آنچنان زننده و خطرناک نیست که از نظر تسکین افکار عمومی، اجرای مجازات مرتکب آن ضرورت قطعی داشته باشد. به علاوه، با توجه به حالات و روحیات مرتکب جرم معلوم می‌شود که تهدید به اجرای مجازات بیش از خود مجازات، در رفتار آتی او مؤثر خواهد بود. هم‌چنین از رفتن او به محیط جرم‌زای زندان جلوگیری می‌گردد (صانعی، ۱۳۷۶: ۲۹۲). در چنین موقعیتی، شکی نیست که تعلیق مجازات مرتکب با الزام به این‌که در مدتی معین رعایت کلیه مقررات قانونی را بکند، بیش‌تر به صرفه و صلاح شخص مجرم و اجتماع خواهد بود.

قانون‌گذار افغانستان از مواد ۲۲۱-۲۳۶ کد جزا به تعلیق تنفیذ پرداخته است و در ماده ۲۲۱ چنین مقرر می‌دارد: «تعلیق تنفیذ حکم حالتی است که محکمه تطبیق حکم را بالای متهم در جرایمی که جزای آن حبس تا پنج سال باشد، در نظر داشت موجودیت یکی از اسباب تعلیق تنفیذ مندرج این فصل، تا مدت پنج سال تعلیق می‌نماید.» نکته قابل یادآوری آن است که مطابق ماده فوق، جرایمی که مجازات آن از پنج سال زیادتر باشند، شامل تعلیق تنفیذ نمی‌گردند. شرایط و احوال و اسباب تعلیق تنفیذ حکم نیز در قانون معین شده^۱ و محکمه در صورتی می‌تواند به تعلیق تنفیذ حکم مبادرت ورزد که یکی از آن حالات وجود داشته باشد. تعلیق تنفیذ، همه

۱. ماده ۲۲۳ احوال تعلیق تنفیذ حکم را چنین تصریح نموده است: (۱) محکمه می‌تواند در یکی از حالات ذیل تنفیذ حکم را تعلیق نماید: (۱) جرم ناشی از سهل‌انگاری و غفلت یا اهمال در اجرای وظیفه یا خطا در فهم قانون باشد؛ (۲) متهم جرم ترافیکی، مصدوم را کمک و یاری نموده و فرار نکرده باشد؛ (۳) مرتکب، قبلاً محکوم به جزا نشده باشد؛ (۴) محکمه دریابد که متهم سابقه جرمی نداشته و خود به مراجع مربوط اطلاع یا خود را تسلیم نموده و رفتار وی نمایانگر اطاعت وی از قانون در آینده باشد؛ (۵) مدعی حق‌العبد ابراء نموده یا متهم به رضایت خود خساره وارده را جبران نموده باشد؛ (۶) در صورتی که جرم توسط متعلم یا محصل یا زن حامله یا شخص بین ۱۸ تا ۲۰ سال ارتکاب یافته باشد، مشروط بر این که مجرم متکرر نباشد؛ (۷) سایر احوال نظر به اوضاع و احوال مرتکب به تشخیص محکمه. (۲) هرگاه از اثر ارتکاب رجم مندرج فقره (۱) ضرری بر مجنی‌علیه وارد گردیده باشد، تعلیق تنفیذ حکم مشروط به جبران خساره را یا رضایت وی می‌باشد. (۳) محکمه مکلف است حین اصدار حکم تعلیق تنفیذ، اخلاقی، حالت مدنی، شخصیت، امکان اصلاح تربیت محکوم‌علیه را در نظر گیرد. (۴) ...

جرایم را دربر نمی‌گیرد؛ بلکه در آن استثنا قائل شده است: مجازات جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، تروریستی، تمویل تروریسم، مواد مخدر، تجاوز جنسی، اختطاف، فساد اداری و مالی، نسل‌کشی، ضد بشری، جنگی و تجاوز علیه دولت، تعلیق شده نمی‌تواند (فقره ۴ ماده ۲۲۳ کد جزا). محکمه نیز مکلف است در حکم خود دلیل تعلیق تنفیذ را ذکر کند و مدت تعلیق تنفیذ حکم مطابق ماده ۲۲۶ کد جزا، پنج سال است.

ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی ایران، تعلیق اجرای مجازات را که از جمله نهادهای ارفاقی می‌باشد، مقرر کرده است: «در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. هم‌چنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.»

شرایط تعلیق عبارت است از وجود جهات تخفیف، پیش‌بینی اصلاح مرتکب، جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران و فقدان سابقه کیفری مؤثر. آثار تعلیق اجرای مجازات آن است که با صدور قرار تعلیق، اجرای مجازات معلق‌شده اگر شخص بازداشت باشد، فوراً آزاد می‌شود (الهام و برهانی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۲۷۱).

۱-۴-۳. آزادی مشروط

آزادی مشروط یک ابزار ارفاقی است که قبل از اتمام مدت مقرر مجازات حبس توسط محکمه صادرکننده حکم به محکوم‌علیه اعطا می‌شود که نمایانگر توجه خاص قانون‌گذار به هدف اصلاح و درمان و بازسازی اجتماعی محکوم است. آزادی مشروط را می‌توان به‌عنوان برنامه‌های جایگزین مجازات حبس در مفهوم موسع تلقی کرد؛ البته در صورتی که با نظارت باشد (یوسفینژاد و آقاجانی، ۱۳۹۶: ۱۵۰). آزادی مشروط معمولاً در جرایم غیرقابل گذشت و یا گاهی بدون شاکی استفاده می‌شود. در صورتی که شواهد و قراین حاکی از اصلاح و تهذیب محکوم‌علیه زندانی و آمادگی وی برای بازگشت به زندگی اجتماعی باشد، مقتضی است موجبات بازگشت وی به جامعه فراهم شود تا هم از تحمیل هزینه زندان و نگهداری زندانیان بر

جامعه صرفه‌جویی به عمل آید و هم امکانات اداره زندان معطوف به بزه‌کاران حرفه‌ای زندانی و یا به عادت بشود (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۳۷۳).

ماده ۵۸ قانون اسلامی ایران به آزادی مشروط پرداخته است: «در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات، به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر کند:

الف. محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن نیت اخلاق و رفتار نشان دهد.
ب. حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرم نمی‌شود...»؛ بنابراین، جرایم باید از نوع تعزیری بوده و با وجود شرایط معین شده در ماده ۵۸ شخص می‌تواند از تعلیق اجرای مجازات برخوردار شود.

۲-۴. مجازات‌های جایگزین جدید

مجازات‌های جایگزین جدید بخش دوم را شامل می‌شود که در کد جزای افغانستان و قانون مجازات اسلامی ایران مقرر گردیده و شرایط و موارد آن نیز تعیین شده است.

۲-۴-۱. دوره مراقبت

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

دوره مراقبت یکی از مهم‌ترین تدبیرهای جان‌نشین مجازات حبس می‌باشد و عبارت است از دادن آزادی به مجرم تحت سرپرستی و نظارت مأموران دوره مراقبت در مدت معینی برای آماده‌ساختن وی برای بازگشت به زندگی اجتماعی به جای کیفر حبس. «رابرت هریس» معتقد است که «دوره مراقبتی یک روش مجازات با مبانی جامعه‌شناختی- تربیتی است که ترکیبی از سرپرستی و مساعدت مشخص می‌گردد. این روش در نظام آزاد، در مجرمینی اعمال می‌گردد که انتخاب آن‌ها برحسب شخصیت جرم‌شناختی و جرم‌پذیری آن‌ها بوده است...» (مرادی، ۱۳۹۶: ۱۱۷). سبک‌ترین نوع مجازات جایگزین حبس، دوره مراقبت است.

در حقوق افغانستان، دوره مراقبت در قانون به‌عنوان جایگزین حبس مقرر گردیده است. مطابق ماده ۱۵۸ کد جزا: «دوره مراقبت مدتی است که طی آن محکمه شخص متهم را با رعایت شرایط مندرج این فصل، حداکثر پنج سال به اجرای یک یا چند مورد از موارد ذیل محکوم

می‌کند: ۱) اقامت در محل معین؛ ۲) منع اقامت یا تردد در محل یا محلات معین؛ ۳) ملزم ساختن به اشتراک در جلسات مشورتی ماهانه یا کم‌تر از آن؛ ۴) حرفه‌آموزی یا گذراندن دوره‌های آموزشی و مهارتی؛ ۵) مساعدت به مجنی‌علیه در جهت رفع یا کاهش آثار زیان‌بار مادی یا معنوی ناشی از جرم و کسب رضایت مجنی‌علیه؛ ۶) حاضری‌دادن به دفتر پلیس یا مرجعی که محکمه تعیین می‌کند؛ ۷) ترک معاشرت با اشخاصی که محکمه معاشرت با آن‌ها را برای محکوم‌علیه مضر تشخیص می‌دهد؛ ۸) منع اشتغال به کارهای معینی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم کند؛ ۹) الزام به فراگیری تعلیم و تربیه، آداب معاشرت خانوادگی و اجتماعی و پایبندی به آن؛ ۱۰) اقدام به درمان اختلال‌های روانی، رفتاری و جسمانی. «بنابراین، در صورتی که شخص خاطی شرایط معین قانونی را دارا باشد، محکمه می‌تواند به یکی یا چند مورد حکم به دوره مراقبت تا حداکثر پنج سال بدهد. این امر می‌تواند هم به نفع متهم یا مجرم باشد چون می‌تواند از فروپاشی خانواده‌اش جلوگیری کند و هم به نفع مجنی‌علیه از بابت جبران زیان وارده و مهم‌تر از آن به سود دولت از بابت کاهش هزینه دولت نیز است.

در صورت عدم رعایت حکم از طرف محکوم‌علیه، محکمه می‌تواند برای بار اول تا یک و نیم چند، دوره مراقبت وی را تمدید نماید و هرگاه محکوم‌علیه از اجرای فیصله محکمه برای بار دوم خودداری کند، محکمه صادرکننده حکم می‌تواند مراقبت را لغو و مدت باقیمانده دوره مراقبت را به حبس تفیذی تبدیل نماید (م ۱۵۹ ک. ج). در صورتی که از وضعیت محکوم‌علیه اصلاح رفتار وی معلوم شود، محکمه می‌تواند صرف برای یک‌بار، دوره مراقبت را حداکثر تا نصف آن کاهش دهد یا از برخی دساتیر صادرشده دیگر صرف نظر کند (م ۱۶۰ ک. ج).

قانون‌گذار ایران در صدر ماده ۸۳ دوره مراقبت را تعریف کرده است: «دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام، به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می‌گردد:

الف. در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه؛

ب. در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرایمی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال؛

پ. در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال؛

ت. در جرایمی غیر عمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال. بندهای «الف»، «ب» و «پ» اعم است از جرایم عمدی و غیر عمدی؛ اما بند «ت» تنها جرایم غیر عمدی را مورد حکم قرار داده است که با توجه به ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی، اگر شخص مرتکب جرم غیر عمدی تا دو سال شده باشد، استفاده از جایگزین حبس برای وی الزامی است؛ اما اگر مجازات قانونی جرم ارتكابی وی بیش از دو سال حبس باشد، قاضی در تبدیل مجازات حبس دارای اختیار است (الهام و برهانی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۶۲).

۲-۴-۲. انجام خدمات عامه

خدمات عامه امروزه نهادی است که به موجب آن، محکمه به مجرم پیشنهاد می‌کند تا با انجام کاری به نفع جامعه، به جای رفتن به زندان در صدد جبران خطای مرتکب شده برآید. به عبارت دیگر، خدمات عمومی یا کار عام‌المنفعه یکی از گزینه‌های محکومیت است که با لحاظ میزان خطرناکی مجرم و با هدف جبران خسارت از بزه‌دیده و ترمیم نظم مختل شده جامعه به وسیله او از رهگذر انجام یک کار رایگان برای جامعه، مورد حکم قرار می‌گیرد (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۲۶). حکم خدمات عامه متضمن جبران خسارت اجتماع و درخواست انجام یک فعالیت منظم می‌باشد؛ بنابراین، می‌توان آن را یک جانشین واقعی برای حبس قلمداد کرد. خدمات عمومی در موارد خاصی که قانون‌گذار پیش‌بینی کرده است، به نفع ادارات و سازمان‌های دولتی و عمومی معینی از قبیل شهرداری‌ها، وزارت‌ها و... صورت می‌گیرد (یوسفی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۰۷).

در کار خدمات عمومی، مستلزم همکاری جامعه، کارفرمایان و مؤسسات دولتی با دستگاه قضایی است و به نحوی سیاست جنایی مشارکتی محسوب می‌شود؛ زیرا این کار باید برای جامعه انجام شود، نه لزوماً برای دستگاه قضایی؛ از این رو، شرایطی را می‌توان برای آن برشمرد:

الف. مشارکت دستگاه قضایی: این امر، مستلزم برداشتن گام‌های مؤثری از سوی قوه قضائیه در زمینه آموزش و تبلیغات است. در این خصوص، باید رهنمودها و راه‌کارهای لازم به قضات محاکم داده شود؛ چرا که اجرای موفق خدمات عامه مستلزم اراده و تعهد قضات محاکم است.

ب. مشارکت مردم و جمعیت‌های محلی برای به نتیجه رسیدن این اقدامات: جمعیت‌های محلی، شوراهای محلات و... باید در اصلاح و بازسازی مجرمان از رهگذر خدمات عامه، شرکت فعال داشته باشند.

ج. مشارکت رسانه‌های گروهی: برای حساس کردن جامعه و دگرگون کردن نگرش‌های اجتماعی در جهت شناساندن امتیازهای طرح خدمات عمومی باید از رسانه‌های گروهی در زمینه تبلیغات این طرح، استفاده مؤثری بشود (یوسفی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۰۷-۲۰۸).

در کد جزای افغانستان، خدمات عامه تصریح گردیده است. شرایط و موارد، نحوه اجرا و محدوده آن نیز مشخص شده است: «(۱) خدمات عامه عبارت از کاری است که مرتکب جرم به انجام آن به نفع جامعه با دریافت قسمی مزد و یا بدون آن، محکوم می‌گردد؛ (۲) محکمه مرتکب جرم را با نظر داشت نوع جرم، سن، جنس، توانایی جسمی یا روانی، شغل، مهارت و وضع اقتصادی و اجتماعی وی، مکلف به انجام خدمات عامه می‌سازد؛ (۳) در تعیین مجازات خدمات عامه، اخذ رضایت محکوم‌علیه حتمی می‌باشد؛ (۴) شخص زیر ۱۵ سال به انجام خدمات عامه محکوم شده نمی‌تواند؛ (۵) محکمه میزان خدمات عامه را با تناسب درجه خفت جرم مرتکبه و شخصیت مرتکب تعیین می‌نماید.» (م ۱۶۲ ک. ج)؛ بنابراین، مطابق فقره‌های ۳ و ۴ بدون اخذ رضایت محکوم‌علیه و برای شخص زیر ۱۵ سال، انجام خدمات عامه امکان‌پذیر نیست. قانون میزان ساعات انجام خدمات عامه^۱، رعایت شرایط و ضوابط کار حین انجام خدمات عامه^۲ و تعلیق یا تبدیل خدمات عامه^۳ را نیز مشخص کرده است. هرگاه محکوم‌علیه بدون عذر موجه، از انجام خدمات عامه یا از شرایط مقرر برای انجام کار تخلف ورزد، بار اول حداکثر تا ۸۰ ساعت، در ساعات‌های انجام خدمات عامه وی افزوده می‌گردد و در صورت تکرار، محکمه می‌تواند به اساس پیشنهاد سارنوال مربوطه، مدت خدمات عامه باقیمانده وی را به حبس تبدیل نماید (م ۱۶۶ ک. ج).

در حقوق ایران، در بند (ب) ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی^۴ ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی خدمات عمومی رایگان را تعریف کرده: خدمت عام‌المنفعه‌ای که با رضایت محکوم برای مدت معین

۱. ماده ۱۶۳: «مجموع اندازه خدمات عامه به ساعت تعیین می‌گردد و میزان ساعات انجام خدمات عامه حداقل ۴ ساعت و حداکثر ۸ ساعت در یک شبانه‌روز می‌باشد.»

۲. ماده ۱۶۴: «محکمه مکلف است حین حکم به خدمات عامه، قوانین و مقررات مربوط به شرایط ویژه کار زنان و نوجوانان، بهداشت کار، ضوابط کارهای دشوار، ثقیل و مضر صحت را رعایت نماید.»

۳. ماده ۱۶۵: «محکمه می‌تواند بر اساس تقاضای محکوم‌علیه، وکیل مدافع یا سارنوال مربوطه، نظر به وضع جسمانی و نیاز به خدمات صحی یا مشکلات خانوادگی محکوم‌علیه، انجام خدمات عامه را به‌طور موقت حداکثر تا سه ماه در طور دوره محکومیت، تعلیق کرده یا آن را با سایر جزای بدیل حبس تبدیل کند.»

۴. آیین‌نامه فوق‌الذکر در شهریور/ سنبله ۱۳۹۳ با عنوان آیین‌نامه اجرایی ماده (۷۹) قانون مجازات اسلامی، به تأیید رئیس قوه قضائیه و تصویب هیأت وزیران ایران رسید.

و به‌طور رایگان به موجب حکم دادگاه و وفق ماده (۸۴) قانون به شرح مندرج در آیین‌نامه در نهادهای پذیرنده انجام می‌گیرد و در ماده ۲ آیین‌نامه، اقسام خدمات عمومی رایگان پیش‌بینی شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: امور آموزشی، امور بهداشتی و درمانی، امور فنی و حرفه‌ای شامل خدمت در کارگاه‌ها و... . امور خدماتی شامل نگهداری و سرایداری نهادهای پذیرنده و...؛ امور کارگری شامل کارگری در بخش‌های ساختمانی و امور کشاورزی و دام‌داری و... را شامل می‌شود.

انجام خدمات عمومی رایگان به‌عنوان مجازات‌های جایگزین حبس برخلاف سایر مجازات‌های جایگزین، منوط به رضایت محکوم است که این مورد در حقوق افغانستان نیز ذکر شده است. ذیل تبصره ۳ ماده ۸۴ مقرر می‌دارد: «... در هر حال در صورت عدم رضایت محکوم به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود.» بر اساس تبصره ۳ ماده ۸۴ محکمه تنها یک خدمت عمومی را مورد حکم قرار می‌دهد: «دادگاه نمی‌تواند به بیش از یک خدمت عمومی مقرر در آیین‌نامه موضوع این فصل حکم دهد...». قانون‌گذار انجام خدمات عمومی را بر اساس ساعت تقسیم‌بندی کرده و در ماده ۸۴ بر اساس تقسیم چهارگانه ماده ۸۳^۱ به تعیین میزان خدمات عمومی همت گمارده است:

الف. جرایم موضوع بند (الف) ماده (۸۳) تا دوصد و هفتاد ساعت؛

ب. در جرایم موضوع بند (ب) ماده (۸۳) دوصد و هفتاد تا پنج‌صد و چهل ساعت؛

پ. جرایم موضوع بند (ت) ماده (۸۳) پنج‌صد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت؛

ت. جرایم موضوع بند (د) ماده (۸۳) هزار و هشتاد تا دوهزار و صد و شصت ساعت.

انجام این خدمات باید به‌گونه‌ای باشد که مانع از امرار معاش متعارف شخص محکوم نشود. قانون‌گذار برای افراد شاغل حداکثر چهار ساعت و برای افراد غیر شاغل حداکثر هشت ساعت را برای انجام این خدمات در نظر گرفته است (الهام و برهانی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۶۵). این موضوع در تبصره ماده ۸۴ اشاره شده است.

۱. تقسیم‌بندی چهارگانه ماده ۸۳ قرار ذیل است: الف. در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه؛ ب. در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرایمی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال؛ پ. در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال؛ ت. در جرایمی غیر عمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال.

۲-۴-۳. محرومیت از حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی در یک معنا محدود به حقوقی گفته می‌شود که فرد آن را دارد به‌عنوان این‌که عضو جامعه است و با فعالیت شخصی و حرفه‌ای و یا با به‌کارگیری دارایی خود در اجتماع تأثیر می‌گذارد. در معنای وسیع‌تر، حقوق اجتماعی به یک سلسله حق‌هایی اطلاق می‌شود که به‌منظور رفع بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی برای فرد شناخته شده است. حقوق اجتماعی مانند حقوق و آزادی‌های فردی و ناشی از مقتضیات طبیعت بشر است که برای او به همان اندازه حقوق فردی، امری حیاتی و اساسی است و موجب رهایی او از بی‌عدالتی‌ها است. این حقوق یک سلسله امتیازاتی است که دولت‌ها با مشارکت فعالانه خود باید برای ملت خویش فراهم آورد و حقوقی نظیر اشتغال، تأمین اجتماعی، بهداشت، مسکن، آموزش و... را در دستور کار خود قرار دهند (سایبانی و جعفری، ۱۳۹۵: ۵۹-۶۰).

مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی از ابتکارات جدید است که در حقوق برخی از کشورها، از جمله افغانستان و ایران، تصریح شده است. محرومیت از حقوق اجتماعی در معنای اعم نیز واجد کیفی بوده و تابع اصول حاکم بر مجازات‌ها می‌باشد که دارای اهدافی از قبیل پیش‌گیری از ارتکاب جرم و اصلاح و بازپروری مجرم، رعایت اصول فردی کردن مجازات‌ها، اجتناب از مجازات حبس به‌لحاظ اقتصادی و جرم‌زایی بودن زندان می‌باشد.

محرومیت از حقوق اجتماعی هرچند دارای وصف کیفی است؛ ولی از زمره تدابیری است که بیش‌تر جنبه تأمینی دارد و در واقع، هدف عمده این تدابیر، پیش‌گیری از سقوط مجدد محکوم‌علیه در بزه‌کاری از طریق ایجاد موانع در انجام فعالیت مجرمانه و دورکردن او از محیط‌هایی که جنبه جرم‌زایی برای وی دارد، می‌باشد (یوسفی‌نژاد و آقاجانی، ۱۳۹۶: ۱۵۶).

در حقوق افغانستان، محرومیت از حقوق اجتماعی یکی از مجازات جایگزین حبس به‌شمار می‌رود. شرایط، حالت، مصادیق و موارد محرومیت در ماده ۱۶۷ کد جزا معین شده است: «محکمه می‌تواند با رعایت شرایط مندرج در این فصل، محکوم‌علیه را که مستوجب جزای حبس قصیر باشد، برای مدت معین از یک یا بیش از یک حق اجتماعی من حیث جزای بدیل حبس قرار ذیل محروم کند: (۱) تنزیل یک رتبه یا درجه؛ (۲) کسر یک سوم معاش برای یک سال؛ (۳) انفصال موقت از مشاغل دولتی و خدمت در مؤسسه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی با توجه به جرم

ارتكبابی از شش ماه تا دو سال؛ ۴) منع اشتغال به شغل یا كسب یا حرفه معین در صورتی كه جرم مربوط به شغل وی باشد، تا يك سال؛ ۵) محرومیت از دریافت جواز فعالیت شغل معین از يك تا سه سال؛ ۶) محرومیت از عضویت در هیأت مؤسس و هیأت مدیره شرکت‌ها یا محرومیت از مدیریت عامل تا يك سال؛ ۷) محرومیت از معامله با ادارات دولتی یا مؤسسه‌های غیردولتی یا شرکت در مزایده و مناقصه از يك تا پنج سال؛ ۸) محرومیت از رانندگی از شش ماه تا سه سال؛ ۹) مسدودکردن حساب‌های معین یا محرومیت از افتتاح حساب جاری یا محرومیت از دریافت تسهیلات و اعتبارات بانك‌ها و سایر مؤسسه‌های مالی از يك تا سه سال؛ ۱۰) محرومیت از حمل سلاح برای افراد مجاز دارنده سلاح تا دو سال؛ ۱۱) اخراج اتباع خارجی از كشور و منع ورود مجدد آن‌ها به افغانستان از يك تا پنج سال؛ ۱۲) منع خروج اتباع افغانی از كشور از شش ماه تا يك سال.»

بنابراین، با وجود شرایط معین‌شده در قانون و در صورتی كه محكوم علیه به حبس قصیر، یعنی از سه ماه تا يك سال، محكوم گردیده باشد، محكمه می‌تواند شخص را از برخی حقوق اجتماعی‌اش محروم كند.

در حقوق ایران، بر اساس ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی، محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان یکی از جایگزین‌های حبس معرفی شده و مصادیق آن نیز در برخی جرایم پیش‌بینی شده است. مصادیق آن عبارت از محرومیت‌های پانزده‌گانه مندرج ماده ۲۳ و محرومیت‌های دوازده‌گانه مندرج در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی است. این نوع جایگزین حبس برخلاف سایر جایگزین‌ها، نمی‌تواند به‌صورت مستقل به‌عنوان جایگزین تعیین گردد؛ بلکه به تصریح ماده ۸۷، بایستی توأم با یکی از جایگزین‌های چهارگانه مذکور در ماده ۶۴ باشد (الهام و برهانی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۶۷). برخی از مصادیق ماده ۲۳ عبارت‌اند از: اقامت اجباری در محل معین، منع اشتغال به شغل، حرفه یا كار معین، انفصال از خدمات دولتی و عمومی و... و یا ممكن است از برخی حقوق اجتماعی كه در ماده ۲۶ قانون مجازات معین شده، مانند داوطلب‌شدن در انتخابات، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و... محروم گردد.

۲-۴-۴. حبس در منزل

حبس در منزل یا حبس خانگی، اصطلاحی است كه به محدودیت در رفت‌وآمد و خروج

از منزل اشاره دارد. در اجرای این مجازات، آزادی ورود و خروج محکوم علیه از منزل محدود می‌شود و او ملزم می‌گردد در منزل خود باقی بماند و یا فقط در ایام معینی که از قبل به او اعلام گردیده، حق خروج از منزل را داراست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰: ۱۴۸؛ نورپور، ۱۳۹۱: ۲۷). در این مجازات، خانه محکوم علیه به منزله زندان بوده و در حکم سلول است. استفاده از این روش سبب آن می‌شود که محکوم از ساحت زندان و تماس با مجرمان حرفه‌ای به دور نگهداشته شود و در ضمن از اجتماع نیز قسماً تجرید شود. در واقع، به نوعی منافع جامعه به‌خاطر دور نگهداشتن فرد از جامعه، تأمین می‌شود. به علاوه، این اقدام دارای هزینه ناچیز و اندک است و اقتصادی تمام می‌شود (رسولی، ۱۳۹۶: ۵۳۶). افزون بر آن، محکوم می‌تواند در کنار خانواده‌اش حضور داشته باشد و این امر از هم‌پاشیدن خانواده، جلوگیری می‌کند.

حبس در منزل در ماده ۱۶۸ کد جزا مقرر گردیده و تنها در جرایمی که مجازات آن تا پنج سال حبس باشد، قابل اعمال است: «۱) محکمه می‌تواند با رعایت شرایط مندرج این فصل، محکوم علیه را که مستوجب جزای حبس تا پنج سال باشد، به سپری نمودن حبس در منزل حکم نماید؛ ۲) محکوم به حبس در منزل نمی‌تواند از منزل خارج شود؛ مگر به اجازه محکمه ذیصلاح غرض انجام امور ضروری؛ ۳) مدت حبس در منزل از شش ماه تا دو سال می‌باشد؛ ۴) حضور محکوم علیه در منزل از طریق وسیله الکترونیکی که در مرکز نظارت بر تطبیق قانون جزای بدیل حبس وجود دارد یا توسط مددگار اجتماعی، کنترل می‌گردد؛ ۵) هرگاه محکوم علیه شرایط حبس در منزل را که قبلاً در حکم محکمه تصریح شده است رعایت نکند، مدت باقیمانده جزای بدیل حبس به حبس تنفیذی تبدیل می‌گردد.»

۲-۴-۵. نظارت الکترونیکی

نظارت الکترونیکی نیز از جمله مجازات‌های اجتماعی جایگزین است. در نظارت الکترونیکی، بهره‌وران ابزارهایی را دور میچ دست یا گردن‌شان می‌بندند که علامت‌هایی را به اداره نظارت می‌فرستد؛ بدین ترتیب، مجرم فقط حق رفتن به سر کار یا شرکت در بعضی از فعالیت‌های مشخص را دارد و در بقیه اوقات در منزل زندانی و رفت‌وآمد وی کنترل می‌شود. در این نوع مجازات، مجرم به جای اعزام به زندان، به تحمل حبس در منزل محکوم می‌شود. بدیهی است با اعمال این روش، علاوه بر آثار مستقیم و مؤثری که بر کاهش جمعیت زندان‌ها دارد، محاسن فراوان دیگری نیز مانند کاهش هزینه‌های دولت، حضور در میان اعضای خانواده و اجتماع و

تسهیل در امکان سازگاری مجدد با جامعه بر آن مرتب است (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

به علاوه مزایایی که در فوق ذکر گردید، این نوع جایگزین معایبی نیز دارد که به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم:

۱. اولین مشکلی که ممکن است در این سیستم روی دهد، مشکل فنی بوده که چه‌بسا در فرستنده و حتی گیرنده به وجود بیاید؛

۲. نظارت الکترونیکی به صورت مستقیم بازپروری نمی‌کند؛

۳. برخی مجرمان باهوش با آشناسدن با نواقص این قبیل نظارت‌ها، موجب شکست این چنین طرح‌هایی می‌شوند؛

۴. این سیستم در خانه و خانواده به‌طور غیرمستقیم موجب بالارفتن آمار خشونت و ایجاد مزاحمت می‌شود؛ چون سایر اعضای خانواده همواره ترس از تجاوز به حریم خصوصی خود را دارند (مرادی، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

در کد جزای افغانستان و قانون مجازات اسلامی ایران، نظارت الکترونیکی تصریح نشده است.

نتیجه‌گیری

بنیاد اندیشه

جرم به‌عنوان یک پدیده اجتماعی که با ارتکاب آن نظم و امنیت جامعه برهم می‌خورد و باعث آسیب و ضرر به اشخاص می‌شود، عکس‌العمل و واکنش را در پی خواهد داشت. واکنش می‌تواند به گونه‌های مختلف، از جمله مجازات حبس، برای مجرم باشد. زندان و محبس برای مجازات کردن مجرمان به جای مجازات‌های شدید بدنی، وارد نظام‌های قضایی گردید. در ابتدا، زندان‌ها در بدترین شکل و حالت قرار داشتند که رنج‌های زیادی را بالای مجرمین تحمیل می‌کرد. این امر، باعث اعتراضات گسترده دانشمندان گردید. انتقادهای از شرایط بد زندان‌ها، ناکارآمدی و شکست آن در اصلاح و تربیت مجرمین، زمینه شکل‌گیری مجازات‌های جایگزین حبس را مهیا کرد. این نوع مجازات، کم‌کم وارد سیستم‌های قضایی کشورها گردید که در سال‌های اخیر در حقوق کیفری افغانستان و ایران نیز راه یافته است. مجازات‌های جایگزین یک بدیل مناسب برای حبس است و در اصلاح و تربیت مجرمین نیز نتیجه بهتر از حبس داشته

است. این نوع مجازات، اهداف زیادی را دنبال می‌کند که هم به نفع دولت و جامعه و هم به نفع مجنی‌علیه و شخص مجرم است. به نفع دولت است؛ زیرا با به‌کارگیری مجازات جایگزین باعث کاهش جمعیت زندان‌ها و به تبع آن کاهش هزینه و مخارج دولت می‌شود. مزید بر آن، نیاز نیست عده زیادی از افراد نظامی و انتظامی درگیر زندانیان شوند. به نفع جامعه است؛ زیرا خطرات احتمالی افراد شرور برای آسیب‌رسانی به جامعه کم‌تر می‌شود و در نتیجه نظم و امنیت جامعه برهم نمی‌خورد. به نفع مجنی‌علیه است؛ زیرا به‌کارگیری جایگزین‌های حبس وقتی امکان‌پذیر است که در اکثر موارد خسارات زیان‌دیده و مجنی‌علیه جبران شده باشد. بر علاوه، از دشمنی و آسیب‌دیدن دوباره مجنی‌علیه تا حدی جلوگیری می‌شود. در نهایت، مجازات‌های جایگزین در حقیقت یک شانس و فرصت طلایی به مجرمین است تا رفتار خود را اصلاح کرده و برای بازگشت به اجتماع آماده شوند و هم‌چنان از آسیب‌های زندان در امان باشند. این کار می‌تواند نتایج مثبت به حال مجرم داشته باشد؛ چون از یک‌طرف تا حدی از مجازات‌های سخت مصون می‌ماند و حقوق وی به شکل بهتر تأمین می‌گردد و از طرف دیگر باعث می‌شود تا از فروپاشی خانواده‌اش جلوگیری شود.

مجازات‌های جایگزین سنتی تا هنوز در حقوق بعضی از کشورها به‌عنوان جایگزین دیده می‌شود؛ اما در حقوق افغانستان و ایران مشمول نهادهای ارفاقی می‌شود. بخش دوم به‌عنوان مجازات‌های جایگزین جدید در ماده ۱۵۰ کد جزا و ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ایران تصریح گردیده است و عمدتاً شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل و جزای نقدی روزانه می‌شود. این نوع مجازات با توجه به جرم ارتكابی، شخصیت مجرم و سابقه کیفری وی، دفعات و تکرار جرم و وضعیت بزه‌دیده از طرف محکمه تعیین می‌گردد. ساحت تطبیق و قلمرو مجازات‌های جایگزین حبس نیز در قانون معین شده است. محکمه می‌تواند مرتکب جرمی را که حداکثر جزای معین قانونی آن‌ها الی پنج سال حبس باشد، مطابق احکام قانون به جزای بدیل حبس محکوم نماید؛ اما جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، تروریستی، مواد مخدر، نسل‌کشی و... و نیز جرایمی که مجازات آن‌ها بیش‌تر از پنج سال حبس باشد، قابل اجرا نیست.

در حقوق ایران جایگزین‌های حبس در تمامی جرایم غیرعمدی در صورتی که مجازات آن تا دو سال حبس باشد، مجازات جایگزین حتمی است و در صورتی که بیش‌تر از دو سال باشد،

برای قاضی اختیاری است. در برخی جرایم عمدی که حداکثر مجازات آن الی یک سال حبس باشد، با شرایطی قابلیت اجرا دارد. اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی در حقوق ایران نیز ممنوع است.

در صورت عدم رعایت حکم از طرف محکوم‌علیه، برای بار اول ممکن است به مجازات آن اضافه شود و هرگاه محکوم‌علیه از اجرای فیصله برای بار دوم خودداری و سرپیچی کند، محکمه صادرکننده حکم می‌تواند مجازات جایگزین را لغو و مدت باقیمانده را به حبس تنفیذی تبدیل کند.

منابع

۱. آشوری، محمد (۱۳۸۲)، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول.
۲. الهام، غلام‌حسین و محسن برهانی (۱۳۹۶)، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، واکنش در برابر جرم، ج ۲، تهران، نشر میزان، چاپ سوم.
۳. جاویدان، لاله (۱۳۹۶)، تاریخ تحولات حقوق کیفری (از پیدایش تاکنون)، تهران، نشر کتاب آوا، چاپ سوم.
۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۴)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوازدهم.
۵. رسولی، محمدشرف (۱۳۹۶)، دوره کامل حقوق جزای عمومی (۳-۲-۱)، کابل، نشر واژه، چاپ اول.
۶. صانعی، پرویز (۱۳۷۶)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ هفتم.
۷. عمید، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و دوم.
۸. فرهمند، مجتبی (۱۳۹۶)، جلوه‌های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۹. گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۶)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و سوم.
۱۰. محمدی، داود (۱۳۸۴)، مجازات‌های جایگزین نقدی بر مجازات زندان، چالش‌ها و راه‌کارها، کتابخانه ملی ایران، انتشارات عود، چاپ اول.
۱۱. مصطفی‌زاده، فهیم (۱۳۹۵)، تاریخ تحولات حقوق کیفری، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
۱۲. نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین (۱۳۷۸-۱۳۷۹)، تقریرات درس حقوق کیفری عمومی ۲ (اقدامات و کیفرهای جایگزین زندان)، تهیه و تنظیم: مهرداد رایجیان، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. نوربها، رضا (۱۳۹۶)، زمینه حقوق جزای عمومی، تجدید نظر کننده: عباس شیری، ویراست جدید، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۱۴. احمدی، عیدمحمد (۱۳۹۶)، «تدابیر بین‌المللی و منطقه‌ای بدیل‌های حبس»، ماهنامه تخصصی، حقوقی و فرهنگی عدالت، سال نوزدهم، شماره ۱۷۸.

۱۵. دوستی، مسلم (۱۳۹۵)، «تحلیل مجازات‌های جایگزین حبس در نگاه قانون‌گذار»، تحقیقات جدید در علوم انسانی، تابستان، شماره ۴.
۱۶. سایبانی، علیرضا و آزاد جعفری (۱۳۹۵)، «بررسی محرومیت از حقوق اجتماعی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، سال دوم، شماره ۳.
۱۷. شاکری، ابوالحسن و سید مسعود حیدری (۱۳۹۵)، «اعتبار حبس کم‌تر از ۹۱ روز در حقوق کیفری ایران»، آموزه‌های حقوق کیفری، بهار و تابستان، شماره ۱۱.
۱۸. شمس ناتری، محمدابراهیم و جواد ریاحی (۱۳۹۱)، «ارزیابی مجازات‌های اجتماعی مندرج در لایحه مجازات اسلامی در پرتو الگوی جایگزینی»، فصلنامه حقوق اسلامی، تابستان، شماره ۳۳.
۱۹. فتاحی زفرقندی، سجاد (۱۳۹۵)، «بررسی مجازات‌های جایگزین حبس در اسناد بین‌المللی و ایران و کشورهای مختلف جهان»، مطالعات حقوقی، تابستان، شماره ۱.
۲۰. کوشا، جعفر و حمیدالله غلامی (۱۳۹۳)، «مجازات‌های قتل عمدی در حقوق جزای افغانستان»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۷.
۲۱. مرادی، قاسم (۱۳۹۶)، «تعدیل مجازات زندان»، فصلنامه علمی - تخصصی اندیشمندان حقوق، سال پنجم، شماره ۱۳.
۲۲. ناظرزاده کرمانی، فرناز و زینب امامی غفاری (۱۳۹۳)، «بررسی رویه و نگرش قضات دادگاه‌های اطفال تهران به جایگزین‌های مجازات حبس»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۵.
۲۳. نجفی ابرنآبادی، علی حسین و دیگران (۱۳۸۰)، «حبس خانگی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۲۱/۴.
۲۴. نورپور، محسن و مسعود احمدی (۱۳۹۱)، «جایگزین‌های نوین حبس در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی»، فصلنامه وکیل مدافع، شماره ۶ و ۷.
۲۵. وزیر، وحید و اشکان رامش (۱۳۹۶)، «اثربخشی کاهش توسل به حبس از منظر مدیریت‌گرایی کیفری»، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره دوم، شماره ۳/۱.
۲۶. یوسفی زاده، معصومه (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی خدمات عمومی و عام‌المنفعه به‌عنوان کیفر جایگزین حبس اطفال و نوجوانان در قانون جدید مجازات ایران و اسناد بین‌المللی»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال دوم، شماره ۳.
۲۷. یوسفی نژاد، نوشین و محمود آقاجانی (۱۳۹۶)، «بررسی مجازات‌های سنتی و نوین جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی»، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره سوم، شماره ۳.
۲۸. کمیته آموزشی جندر وزارت امور زنان افغانستان، رهنمای آموزشی جندر، جوزای ۱۳۹۴، کابل - افغانستان.
۲۹. راپور چگونگی رفتار کشورها با حقوق بشر، اداره دموکراسی، حقوق بشر و کار وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا در مورد گزارش حقوق بشر سال ۲۰۱۲ افغانستان.
۳۰. کد جزای افغانستان، وزارت عدلیه، تاریخ نشر ۲۵ ثور ۱۳۹۶، نمبر مسلسل (۱۲۶۹).
۳۱. قانون مجازات اسلامی ایران، عاطفه زاهدی، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، تهران، انتشارات جاودانه.